



عنوان

موضوع: نقد و بررسی شبهات پیرامون اعجاز قرآن

معصومه کمالی فر^۱

چکیده:

قرآن معجزه است و معنای اعجاز قرآن آن است که بشر از آمدن نظیر آن عاجز و ناتوان است، وجوه عهده اعجاز دو چیز است، یکی تربیت آنگونه الفاظ با حفظ آن گونه معانی، دیگر عدم وجوه اختلاف در آن، قرآن از اول نزول پیوسته این مطالب را یادآوری کرده و می گوید: بشر از آوردن نظیر من ناتوان است و اگر عاجز نیست یک سوره مانند مرا بیاورد، این حریف طلبی قرآن و آن ربونی اهل سخن و خاصه مصحای عرب دلیل بارز اعجاز آن است در مورد اعجاز علمی قرآن شبهات و اشکالات متعددی مطرح شده است که این جنبه از اعجاز، قرآن را با چالش هایی رو به رو کرده است، در این جا مهم ترین این موارد را بیان و بررسی می کنیم. بعضی مخالفین اعجاز علمی می گویند که تفسیر علمی اعجاز قرآن را ثابت نمی کنند زیرا اینکه بعضی مطالب علمی قرآن با اکتشافات جدید مطابق است، نوشتار حاضر به هدف تبیین نقد و بررسی شبهات پیرامون اعجاز قرآن با رویکرد توصیفی تحلیلی به رفع انگاره فوق پرداخته است، در فرایند پژوهش با استفاده از روش کتابخانه ای و با استناد به مبانی کلامی و تفسیری عالمان و مفسران امامیه روشن ساخته است که قرآن کریم از انسجام درونی برخوردار و اختلافی در آن نیست که ناسازگار تلقی شده اند و تهافتی باهم نداشته و کاملاً هماهنگ اند.

کلید واژه: اعجاز، تفسیر، شبهات، قرآن، معجزه

مقدمه:

سطح ۲ حوزه مدرسه علمیه الزهرا آزادشهر^۱

قرآن کریم معجزه پاینده که از جهات گوناگون دارای اعجاز می باشد، یکی از جنبه های اعجاز قرآن گزینش دقیق الفاظ و واژگان و چینش بسیار هوشمندانه که در آیات و سوره هاست، واژه مترادف نمای قرآن تأمل برانگیز است.

در بررسی آیات قرآن کریم به الفاظ و واژگانی برمی خوریم که در نگاه اول مترادف به نظر می رسند و ممکن است با مواجهه با این الفاظ این گونه به ذهن ما خطور کند که آیا می شود این الفاظ را با الفاظ شبیه به آن از نظر معنا عوض کرد؟ آیا حکمتی در پی به کار گیری هر یک از واژگان وجود دارد؟

باتوجه به این که اثبات نبوت عامه به اثبات اعجاز متکی است مبحث اعجاز و معجزه رویکرد کلامی محسوب می شود در خصوص قرآن کریم نیز اعجاز این کتاب آسمانی بهترین دلیل بر نبوت بنی مکرم اسلام (ص) و از سوی خدا بودن ایشان محسوب می شود ولی به لحاظ این که اعجاز قرآن یکی از مبانی تفسیر قرآن است در مباحث علوم قرآن نیز به آن پرداخته می شود.

درباره این موضوع مقالات و کتاب هایی نیز تألیف شده است از جمله:

۱. لیلای اسوی در مقاله اش با تحت عنوان واژه های قریب المعنی و اعجاز قرآن به مبحث اعجاز قرآن پرداخته است.

۲. فرزانه روحانی مشهدی در مقاله خود با تحت عنوان تبیین ریشه های قرانی اندیشه کلامی اعجاز قرآن به این مبحث پرداخته است.

۳. دکتر اسماعیل سلطانی بیرامی در کتاب خود با عنوان وجوه اعجاز قرآن و نقد شبهات این گونه پرداخته است. اگر چه کتاب ها و مقالاتی در این باره نوشته شده اما این به صورت گذرا و کلی به این موضوع پرداخته شده است لذا مقاله حاضر با هدف کلی شناسی و تبیین و مستدل کردن وجوه اعجاز قرآن کریم، بیان و جایگاه و بررسی صحت در هر یک از وجوه اعجاز قرآن نگاشته شده است. هدف دیگر این نوشتار زمینه سازی برای

تحقیقات بیشتر در زمینه شگفتی های این مقاله است و در این مقاله قصد دارم با استفاده از این منابع و آثار دیگر متناسب با این موضوع به صورت روان و گویا در حد بضاعت علمی خود به این سوال نقد و بررسی شبهات پیرامون اعجاز قرآن کریم چیست؟

بررسی اعجاز قرآن به ویژه در دنیای معاصر که با چالشهای متعددی رو به رو است، امری ضروری به نظر می رسد، این شبهات ممکن است از جنبه های تاریخی، عقلانی و علمی شکل بگیرند و به نوعی زمینه سازندهایی درباره اصل وحی و ماهیت قرآن شوند به همین دلیل تحلیل اعجاز قرآن و پاسخ به این شبهات می تواند به تقویت ایمان و افزایش فهم عموم مردم از معانی تحقیق قرآن کمک کند.

«معجزه» از کلمه «عجز» گرفته شده که به معنای ضعف و ناتوانی است و لغت نامه‌های مختلفی به این معنا اشاره دارد. خبرگان لغت، «عجز» به سکون جیم و «عجز» به فتح جیم و «عجز» به ضم جیم را متفاوت دانسته‌اند. اولی و دومی را به معنای ضعف و ناتوانی در مقابل قدرت و سومی را آخر و پایان شیء معنا کرده‌اند.^۳ در تاج العروس از قول سیبویه نقل شده است که استعمال «عجز» به کسر جیم به معنای ضعف، نادر است.^۴ راغب اصفهانی، معنای اصلی عجز را تأخر ذکر کرده و می‌گوید: «چون تأخر عصاره ضعف و سستی است، از این رو عجز در اصطلاح عرفی، در معنای ضعف به کار گرفته شده است».^۵

کلمه معجزه، اسم فاعل از باب افعال می‌باشد. یکی از معانی شایع باب افعال متعدی کردن فعل لازم است. «معنای لازم «عَجَزَ» ناتوان شدن است که در «أَعْجَزَ» به معنای ناتوان کردن بوده و اسم فاعل آن - یعنی «مُعْجَز» - به معنای ناتوان کننده می‌باشد و مراد از آن - به حسب لغت و اصطلاح امر خارق العاده‌ای است که بشر از آوردن آن عاجز و ناتوان است.

واژه معجزه و مشتقات آن، ۲۶ مرتبه در قرآن به کار رفته که مقصود از همه آنها معنای لغوی است. کلمه معجزه با معنای کلامی آن، در قرآن بیان نشده؛ ولی در موارد متعددی کلمه «آیه» یعنی نشانه و دلیل و «بینه» به معنای واضح و روشن و شفاف بر معجزات و صدق دعوی پیغمبران اطلاق شده است.

آن چه متکلمان آن را معجزه و خرق عادت نامیده‌اند، قرآن آیه و بینه می‌نامد؛ به همین سبب کلمه معجزه به معنای اصطلاحی آن حتی یکبار هم در قرآن به کار نرفته است. مقصود از آیه، هر قول و عملی است که از نبی شنیده و دیده شود و با خود نشانه‌ای نیز داشته باشد، به گونه‌ای که مردم بی غرض و حق جو، به

ابن منظور، لسان العرب و جوهری، الصحاح و زبیدی، تاج العروس و ابن فارس مقاییس اللغة، ذیل ماده «عجز» 1.

الصحاح «والعجز والضعف» و تاج العروس «والعجز بالفتح نقیص الحزم» 2

الصحاح «العجز مؤخر الشيء» 3

تاج العروس، ماده «عجز» 4

العجز اصله التأخر عن الشيء و حصوله عند عجز الامر أمر موخره كما ذكر في الدبر، و صار في التعارفی اسما للقصور عن فعل الشيء وهو ضد قدرته» 5

جامع المقدمات، کتاب صرف میر، تعلیق و شرح از: محمد علی مدرّس افغانی ج ۱، ص ۳۶ 6

مجمع البحرین، ماده «عجز» المنجد، ترجمه محمد بندر ریگی، ماده «عجز»؛ لغت نامه دهخدا، ماده «معجز»؛ مرتضی انصاری،

المکاسب، تعلیق و حاشیه کلانتر ج ۳، ص ۱۹ 7

ر.ک. جامع المقدمات، کتاب صرف میر، ج ۱، ص ۱۳۷ 8

روشنی این نشانه را بفهمد و در توان بشر نباشد که همانندش را بیاورد؛ مانند همه کارهای خدا. پس هر آیه ای معجزه است، ولی هر معجزه ای آیه نیست. تاکنون هیچ کس نتوانسته مانند شاهنامه فردوسی و اشعار حافظ و سعدی و بسیاری از این دست را بیاورد، این یعنی همه اینها معجزه اند، ولی آیه نیستند.

در تعریف «آیه» آن علامت و نشانه ظاهر و روشنی است که حقیقتش روشن و آشکار است «بینه»، دلیل و برهانی است که فی نفسه روشن و آشکار است و به وسیله آن، چیزهای مبهم دیگر آشکار و روشن می گردند و «سلطان» عبارت است از دلیل و برهان واضحی که بر عقل و فهم مردم مسلط است و «برهان» به معنای دلیل و حجت روشن و آشکار می باشد.

در نظریه پردازی های علمی قرآن کریم ۱

برخی از آیات علمی قرآن مطالبی را بیان می کند که علم هنوز به آن ها دسترسی پیدا نکرده و هر چند از نظر علوم تجربی به اثبات نرسیده است اما دلیلی نیز برای نفی آن مطلب قرآنی نداریم و از آنجا که وحی نوعی دانش قطعی و از سرچشمه الهی است؛ در صحیح بودن آن شکی نیست هر چند برای اثبات آن فعلاً شواهد تجربی در دست نداریم. ۲.

اعجاز علمی

اعجاز علمی قرآن یعنی راز گویی علمی قرآن که در آیات به صورت واضح آمده است و در زمان نزول آیه کسی از آن اطلاع نداشته بلکه مدت ها بعد از نزول آیه مطلب علمی آن توسط دانشمندان کشف شده است. و از آیات اوست آفرینش آسمان ها و زمین و آنچه جنبندگان در آن ها منتشر نموده و او هر گاه بخواهد بر جمع آن ها تواناست! ۳.

خطیب عبدالغنی، قرآن و علم روز، ص ۲۲۱-۲۳۹۱
منطق تفسیر قرآن (۵) ص ۶۴۲
شوری، آیه ۲۹۳

داده‌اند. آنها (با این سخن)، ظلم و دروغ بزرگی را مرتکب شده‌اند. و گفتند: این همان افسانه‌های پیشینیان است که وی آن را رونویس کرده و هر صبح و شام بر او املاء می‌شود. بگو: کسی آن را نازل کرده است که اسرار آسمان‌ها و زمین را می‌داند. او بسیار آمرزنده و مهربان بوده و هست.»

توضیح: بنا بر عقیده کافران کسانی که به پیامبر در مورد قرآن کمک کرده‌اند عبارتند از «عداس» غلام «حویطب»، «یسار» غلام «علاء» و «حبر» غلام «عامر» که از اهل کتاب بودند.

- تثبیت قلب پیامبر

کافران به پیامبر گرامی اسلام می‌گفتند: چرا قرآن را یکجا برای ما نیاوردی؟ همچنانکه تورات، انجیل و زبور یکجا نازل شده است. خداوند متعال به این اعتراض جواب می‌فرماید: و قال الذین کفروا لو لا نزل علیه القرآن جملة واحدة کذلک لنتبث به فؤادک و رتلناه ترتیلا؛ و کافران گفتند چرا قرآن یکجا بر او نازل نشده؟ این به خاطر آن است که قلب ترا با آن قرآن محکم داریم و آن را تدریجا (بر تو) خواندیم.

توضیح: منظور از کافران، مشرکان عرب هستند که دعوت قرآن را رد می‌کردند و نمی‌پذیرفتند و همیشه در مورد قرآن معترض بودند.

القاء شیطین

کافران می‌پنداشتند که قرآن از جنس افکار و سخنانی است که شیطان به کفار القاء می‌نماید و در نتیجه به وسیله شیطین نازل شده خداوند در جواب آنان می‌فرماید:

و ما تنزلت به الشیاطین و ما ینبغی لهم و ما یستطیعون انهم عن السمع لمعزولون؛ شیطین این آیات را نازل نکردند. و برای آنها سزاوار نیست و نمی‌توانند. آنها از استراق سمع (و شنیدن اخبار آسمان‌ها) برکنارند.

توضیح: شیطان به معنی شریر است، یعنی کسی که بسیار بدی و شر از او صادر می‌شود. جمع آن شیطین است که منظور اشرار جن می‌باشند.

۴۱ - تهمت به پیامبر

ر.ک. محمد حسن، زمانی، شرقشناسی و اسلام‌شناسی غریبان، ص ۵۱
محمد حسن، زمانی، شرقشناسی و اسلام‌شناسی غریبان، ص ۹۰

یکی از بهانه‌های کافران در مورد مخالفت با قرآن، این بود که می‌گفتند قرآن آن طوری که پیامبر ادعا می‌کند از جانب خدا نیست، پیامبر از پیش خود قرآن را گفته و آن را به دروغ به خدا نسبت می‌دهد خداوند به پیامبر می‌آموزد که چگونه با این اندیشه باید مبارزه کند و پاسخ گوید:

ام یقولون افتراه قل ان افتريته فلا تملكون لی من الله شیئا هو اعلم بما تفيضون فیه کفی به شهیدا بینی و بینکم و هو الغفور الرحیم؛ بلکه می‌گویند: این آیات را بر خدا افترا بسته، بگو: اگر من آن را به دروغ به خدا نسبت داده باشم (باید خداوند مرا رسوا کند و) شما نمی‌توانید در برابر خداوند از من دفاع کنید، او کارهایی را که شما در آن وارد می‌شوید بهتر می‌داند. کافی است خداوند میان من و شما گواه باشد و او بسیار آمرزنده و مهربان است.

توضیح: پیامبر اکرم، با جمله اخیر آیه: «و هو الغفور الرحیم» کافران را به توبه دعوت می‌نماید و می‌فرماید: کسی که گناه کبیره بجا آورد، همانگونه که شما بجا آوردید و بر خدا و بر من افترا بستید و سپس توبه کرد خداوند گناه او را می‌آمرزد و نسبت به او مهربان خواهد بود.

نتیجه گیری:

اعجاز قرآن محدود به یک حوزه نیست؛ بلکه این کتاب الهی با ترکیبی از حقایق علمی، بلاغت، ادبی، پیشگویی های تاریخی و ساختار ریاضی منظم اثبات می کند که نمی تواند ساخته ذهن بشر باشد، همانطور که امام صادق فرمود: قرآن همراه با گذشت زمان حقایق جدیدش آشکار می شود.

بررسی شبهات، فرصتی برای تقویت مبانی علمی و اعتقادی مسلمانان فراهم می آورد. این فرایند کمک می کند تا با دیدگاهی انتقادی و در عین حال احترامی به متون مقدس نگاه شود و افراد را به مطالعه و تحقیق بیشتر تشویق کند.

شبهات اعجاز قرآن نتیجه برداشت های نادرست و گاه مغرضانه از متون قرآنی است. پاسخ دهی به این شبهات با تحقیق و آگاهی ضروری است و می تواند به استحکام اعتقادات مسلمانان و برقراری دیالوگ سازنده با دیگر ادیان و فرهنگ ها کمک کند. لذا لازم است محققان و علمای مسلمان به طور مداوم به بررسی این شبهات پرداخته و با استناد به دلایل منطقی و مستند، به تبیین اعجاز قرآن بپردازند.

در نهایت، نقد و بررسی شبهات اعجاز قرآن نه تنها به تبیین و درک بهتر دین کمک می کند، بلکه می تواند به رشد فکری و فرهنگی جامعه نیز منجر شود.

منابع

1- قرآن و روایات

۲- آملی جوادی، نزاهت قرآن از تحریف، ص ۲۰-۲۱

- ۳- آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۳، ص ۳۹
- ۴- افغانی محمد علی مدرس، جامع المقدمات، کتاب صرف میر، ج ۱، ص ۱۳۶
- ۵- انصاری مرتضی، مکاسب، ۷ تعلیق، ج ۳، ص ۱۱۹
- ۶- الصحاح «والعجز والضعف» و تاج العروس «والعجز بالفتح نقيص الحزم».
- ۷- ابن منظور، لسان العرب و جوهری، الصحاح و زبیدی، تاج العروس و ابن فارس مقاییس اللغة، ذیل ماده «عجز».
- ۹- جمالی یوسف، علوم طبیعی در قرآن کریم
- ۱۰- خطیب عبدالغنی، قرآن و علم روز، ص ۲۲۱-۲۳۹
- ۱۱- رضوانی روح الله، مبانی کلامی اعجاز
- ۱۲- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، ص ۶۳۶
- ۱۳- زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامص التنزیل، ج ۴، ص ۲۲۵
- ۱۴- زمانی محمد حسن، شرق شناسی، اسالم شناسی غریبان، ص ۵۱
- ۱۵- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۴۳۸
- ۱۶- صادق تهرانی محمد، ستارگان از دیدگاه قرآن، ص ۱۸۰
- ۱۷- صفائی حائری علیف روش نقد، ج ۱، ص ۱۷
- ۱۳- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۵، ص ۱۷۵
- ۱۴- معین، فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۱۳۵۹

۱۵- مجلسی بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۴۵، باب ۱۵، روایت ۶.